

اما جریانی معتقد است که فیلمساز در حوزه کمدی به جز چند اسم شاخص اگر کار کند روشنفکر نیست و سطحی است. شما درباره سینمای کمدی چه نظری دارید؟

فیلمسازی به نام بیلی او بلدر را داریم که او در سراسر زندگی خود فیلم‌های کمدی ساخته و اسم او در تاریخ سینمای جهان جاودانه مانده است، وودی آلن هم فیلم‌های دغدغه‌مندی ساخته که کمدی هم بودند. خیلی از فیلمسازها بودند که فیلم‌های کمدی ساختند و هنوز هم اسمشان در تاریخ سینما ماندگار شده است چه بسا خیلی بیشتر از کسانی که فیلم‌های جدی و اجتماعی ساخته‌اند. کمدی ساختن هم خودش یک تخصص است و کسانی که این حرف را می‌زنند جرأت ساخت فیلم کمدی را ندارند. فیلم کمدی جرأت می‌خواهد و ابوالحسن داوودی آدمی است که جرأت ساختن فیلم کمدی دارد و فیلم‌های کمدی او می‌فروشد؛ برای مثال «نان، عشق و موتور هزار» که آدم از دیدنش لذت می‌برد. مگر کسی جرأت دارد که آن فیلم را بسازد؟ مگر در توان هر فیلمساز هست که آن فیلم را بخواهد بسازد؟ و یا مگر در توان کسی هست که «اجاره نشین‌ها» را بسازد؟ کسی که نمی‌تواند «اجاره نشین‌ها» بسازد می‌گوید که فیلم کمدی این‌طور است. مگر در بوش مهرجویی در طبقه روشنفکران تاریخ سینمای ایران نیست؟ وقتی که این فیلم را ساخته به این علت که کمدی است باید زیر سؤال برود؟ خیر. اتفاقاً «اجاره نشین‌ها» یکی از بهترین فیلم‌های در بوش مهرجویی است. اگر فیلم‌های او را لیست کنید یکی از فیلم‌هایی که دوستش داریم «اجاره نشین‌ها» و دیگری «آقای هالو» است، یعنی جزو صدر فیلم‌های کمدی است. به نظر من اینکه در این وضعیت سانسور شما بتوانید حرفی بزنید که تماشاچی سختی کشیده ایرانی بخندد واقعا باید دست آن کارگردان، تهیه‌کننده و بازیگر را بوسید که توانسته‌اند مردم را بخنداند. به همین خاطر است که همیشه بازیگران کمدی ماموق تر بوده‌اند. برای مثال رضا عطاران که چندین سال هست که در صدر فروش است، چون بازیگری نداریم که بتواند تماشاگر ایرانی را آن‌طور بخنداند. به نظر من دست کسی را که بتواند مردم ایران را - که این روزها دارند آن قدر سختی می‌کشند - بخنداند باید بوسید.

بهرام رادان به عنوان یک تهیه‌کننده چقدر روحیات مرسوم تهیه‌کننده‌ها را دارد؟

بهرام رادان اگر بازیگر نبود و اگر او را نمی‌شناختم، می‌گفتم که چه تهیه‌کننده در چه یکی وارد سینما شده است. به نظر من او خیلی مدیریت خوبی دارد. ما از ابتدا خیلی با ظرافت با هم و با علی اصغری نویسنده خوب سینما

در مورد سناریو حرف زدیم و آن را جلو بردیم و رادان در مورد همه چیز نظراتش را - چه کار آمد باشد، چه به درد کار نخورد ولی از نظر او خوب باشد - می‌گوید. در مورد فیلمنامه، ساخت و پروداکشن همه نظراتش را می‌دهد و همیشه تمام تلاشش را کرده که فیلم خوبی شود و در اینجا هم تلاشش را کرد. به هر صورت ما با بودجه شخصی داشتیم فیلم را می‌ساختیم و از این جهت شرایط خیلی سخت بود. باید مواظب بودجه می‌بودیم، چرا که بودجه شخصی بود و با سختی هم این فیلم ساخته شد؛ به همین خاطر رادان به خوبی از پس آن برآمد. به نظر من تهیه‌کننده‌ای که بتواند با بودجه شخصی یک فیلمی را تمام کند تهیه‌کننده شریف و کار درستی است.

به نظر شما آیا بهرام رادان ویژگی‌های یک ستاره را دارد؟ یعنی ضامن فروش شما شده است؟ چون برخی از تهیه‌کننده‌ها معتقد هستند که رادان ستاره فروشی نیست. از طرفی انتخاب ترلان پروانه هم احتمالاً ریسک زیادی برای شما داشت، از این جهت که بازیگر پر حاشیه‌ای است. درست است؟ ترلان پروانه انتخاب شما بود یا بهرام رادان؟

یک دسته از بازیگران هستند که به کار اعتبار هنری می‌بخشند. در مورد ضامن فروش بودن همان‌طور که گفتم مگر ما چندان بازیگر را داریم که ضمانت فروش می‌کنند؟ رضا عطاران این‌طور است، جواد عزتی هم زمانی که فیلم کمدی بازی می‌کند این‌طور است. اگر نه فیلم جدی او الان در حال اکران است ولی به سی، چهل میلیارد رسیده است؟ خیر. در حال حاضر



ما در بازیگرانمان هم کسانی را داریم که به دنبال حاشیه هستند و حاشیه ایجاد می‌کنند تا دیده شوند. یعنی با یک جمله نمک بر زخم آدم‌ها می‌پاشند و از این طریق باعث می‌شوند که دیده شوند. مردم ما هم متأسفانه با همان جمله که نمکی بر زخم است باز فالو می‌کنند و می‌بینیم که تعداد فالوورهای آن آدم نسبت به قبل از آن جمله‌ای که ناسزا بوده تا بعد از آن، حتی بیشتر شده است

ضمانت فروش یک فیلم بازیگر نمی‌تواند باشد و به نظر من فیلم خوب ضامن فروش است. زمانی که «ابد و یک روز» اکران شد نوید محمدزاده هنوز بازیگر فروشی نبود ولی در یک فیلم خوب در خشان بازی کرد و فیلم هم فروخت. می‌خواهم این را بگویم که اول اینکه فیلم خوب مهم است. دوم اینکه بازیگر یک وجه هنری دارد. بهرام رادان یک وجه هنری خوبی دارد و به هر حال جزو دو، سه بازیگری بوده که دو سیم‌رغ دریافت کرده است و قطعاً اعتبار هنری دارد. من روی اعتبار هنری او بیشتر حساب باز می‌کنم و برای من ملاک انتخاب یک بازیگر فقط فروش نیست. در مورد ترلان پروانه باید بگویم که بازیگرانی که در این رنج سنی باشند خیلی کم هستند و ترلان پروانه هم بازیگر خوبی است، حاشیه هم برای خودش است و به من مربوط نمی‌شود و خیلی از بازیگران دیگر هم حاشیه دارند. من هم بر اساس توانایی، یک بازیگر را انتخاب می‌کنم. ترلان پروانه در فیلم «فراری» رضا داوودنژاد در خشان بازی کرد و به نظر من در آنجا حشش سیم‌رغ بود. چون به نظر من نقش اصلی بازی کردن برای یک بازیگر در سن هفده، هجده سالگی به این تریو تمیزی، آن هم برای یک فیلمساز بزرگ به اسم داوودنژاد کار خیلی سختی است. در اینجا هم ترلان پروانه کاملاً همراه بود و من در بازیگران کسی را ندیده‌ام که سال‌های سال و از بیجکی در سینما کار کند و آن قدر ساده و همراه باشد. ترلان پروانه جزو بی‌حاشیه‌ترین بازیگران این فیلم بود، یعنی در طول فیلم‌برداری و در طول کار هیچ حاشیه‌ای ایجاد نکرد و همراه بود. سر ساعت می‌آمد و می‌رفت، تمرین می‌کرد و به نظر من یکی از همراه‌ترین بازیگران پروژه بود.

به نقدهای فضای مجازی اشاره کردید و می‌خواهیم بدانیم که به نظر شما در دوره اکران چقدر فضای مجازی برای فروش شما مهم بوده است و خودتان چقدر به این فضا تعلق دارید؟

من تا قبل از اینکه این فیلم اکران شود اینستاگرام را بسته بودم. حس خوبی به فضای مجازی ندارم ولی از آنجا که ما مجبوریم تا در این فضا باشیم و حداقل من دوست داشتم که نظرات مردم را بدانم بنابراین به این فضا وارد شدم. به هر حال در حال حاضر حضور مردم در فضای مجازی بیشتر است و مثل قدیم نیست که یک اجتماعی باشد و مردم دور هم باشند و آنها را ببینی و حرف بزنی. الان فضای مجازی است و در حال حاضر همه چیز آنلاین شده است. به همین خاطر دوست داشتم که اکران فیلم را از نزدیک حس کنم. من هیچ وقت اعتمادی به فضای مجازی نداشتم. باید بگویم که به نظر من از زمانی که درون آن قرار گرفتم تا همین الان، متناقض‌ترین فضای زندگی بشر است و برای مردم چیزی بیشتر از یک تناقض نیست. یعنی این فضا ضد و نقیض است و شما هیچ وقت نمی‌توانید به فضای مجازی اعتماد کنید. اسمش هم مجازی است و حقیقی با مجازی فرق دارد.

